نکته های نابِ کتابِ "طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن" – قسمت 17

به نظر من، شاید در حدود سی چهل مطلب هست که خدای متعال در قرآن، بر ایمان مترتب کرده. مومن از این سی چهل امتیازِ بزرگ برخوردار می شود.

اینکه تلاش خود را ثمربخش بداند،امیدوار باشد که این تلاش به جایی می رسد. مطمئن باشد که تلاشش ثمربخش است. در یک بیابانی، اگر شما بدانید که منزل از این طرف است، می دانید کجا دارید می روید؛ اگرچه دیر شده،اگر چه تنها ماندید،از قافله عقب ماندید،استوار،محکم،با تلاش، با شور، حرکت می کنید،قدم می زنید، جلو می روید.اما اگر راه را گم کردید، نمی دانید از این طرف باید رفت یا از آن طرف باید رفت؛ به هر طرف که راه می افتید، قدم بر می دارید، می بینید سستید، چرا؟ چون نمی دانید که این تلاش ثمر بخش خواهد بود.احتمال می دهید که همین یک قدم، یک قدم شما را از منزل دور می کند.

و اینکه لغزش ها و خطاهایش قابل جبران و مورد بخشایش باشد، این هم خیلی مهم است.انسان همیشه در دغدغه است که نکند باز یک خطای دیگر بکنم و این خطای دیگر، بیشتر مرا دور بیندازد از هدف.

همیشه مایوس است از گذشته و بدبین است نسبت به آینده.اما اگر بداند که خطاهای او به شرط آنکه خودش در صدد جبران باشد، قابل جبران است؛ شوق او،امید او، نشاط او و شور او چند برابر خواهد شد.

و اینکه در مواجهه با دشمن ها و دشمنی ها از نصرت و مدد خدا برخوردار گردد.چقدر جالب است که انسان نیرویی ماورای نیروی ماده و مادیات، پشتیبان خود داشته باشد که وقتی با دشمن ها و دشمنی هایشان،توطئه هایشان،دسیسه هایشان،جلادی هایشان روبرو می شود،معتقد باشد و بداند که آن نیروی ماورای ماده کمک کار و حامی اوست.ببینید چقدر در راه سعادت تندروتر و جالب تر حرکت می کند.

و اینکه بر دشمنان راه و هدفش که مانع و خنثی کننده تلاش اویند،پیروز گردد. آدم همه این تلاش ها را بکند،بعد هم شکست بخورد؟! اینکه به سعادت نمی رسد.پس یکی از مهم ترینِ عناصر سعادتمندی یک انسان،این است که آخرش پیروز بشود،غیر از این است مگر؟

و بالاخره بعد از تمام اینها، بعد هم که مُرد،{تازه} اولِ استراحتش باشد،اولِ پاداش گیری و اجر بردنش باشد.